



## بررسی حسابداری اسلامی (با تاکید بر اهداف، ویژگیها، استفاده کنندگان و اطلاعات اجتماعی و مذهبی محور)

محمد نظری پور

استادیار گروه حسابداری دانشگاه کردستان، سنندج، ایران

محمد صدیق امیری (نویسنده مسؤل)

عضو هیات علمی گروه حسابداری، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

Email: mohammadsedighamiri@yahoo.com

دلیر ناصر آبادی

دانشجوی دکتری حسابداری و مدرس واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

تاریخ دریافت: ۹۴/۸/۲۱ \* تاریخ پذیرش: ۹۵/۴/۲۸

### چکیده

علی رغم وجود ارتباط بین حسابداری و مذهب، به اندازه کافی در ادبیات حسابداری سنتی به این ارتباط توجه نشده است. بطور سنتی نقش مذهب در شکل گیری و اجرای رفتارهای اخلاقی مانند صداقت، امانت داری و عدالت غیرقابل انکار است. در جامعه ای که چنین ارزشهایی نهادینه شده است، اعتماد در انجام فعالیتهای تجاری و امور مالی از جایگاه والایی برخوردار است. این پژوهش به سهم خود تلاش دارد تا نقش مذهب در تدوین و بکارگیری تئوری حسابداری را مورد توجه قرار دهد. بدین منظور تلاش می شود تا دیدگاه اعضای هیات علمی نسبت به حسابداری اسلامی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. جامعه آماری این پژوهش اعضای هیات علمی استانهای تهران، همدان، کرمانشاه و کردستان که با مفاهیم اسلامی آشنا بودند، می باشد. با استفاده از جدول مورگان ۴۴ نفر بعنوان حجم نمونه انتخاب شدند. داده های مورد نیاز از طریق پرسشنامه جمع آوری شد. در فرایند تجزیه و تحلیل داده ها از آزمونهای پایایی و نرمال بودن، آزمون کای-اسکور، آزمون یک نمونه ای t و آزمون علامت غیرپارامتریک استفاده شد. برای انجام این آزمونها از نرم افزار SPSS بهره گرفته شد. نتایج پژوهش نشان داد که الف- بین اهداف حسابداری اسلامی و اهداف حسابداری سنتی (مفیدی تصمیمات) فرق وجود دارد. ب- میزان اهمیت استفاده کنندگان از اطلاعات حسابداری در حسابداری اسلامی و حسابداری سنتی به یک میزان نبوده، بطوریکه در حسابداری اسلامی الزامات سهامداران مهمترین استفاده کنندگان اطلاعات حسابداری بحساب نمی آیند. و ج- می بایست در تهیه اطلاعات حسابداری به اطلاعات اجتماعی و مذهبی محور تاکید ویژه لای شود.

**کلمات کلیدی:** مذهب، مفاهیم اسلامی، حسابداری، مفیدی تصمیمات و ذینفعان.

## ۱- مقدمه

به اعتقاد (Wolk and Tearney, 1997) عمده‌ترین دغدغه در زمینه تدوین اهداف حسابداری تنوع استفاده‌کنندگان می‌باشد. جوامع مختلف به غیر از جامعه سرمایه‌داری که خاستگاه اصلی حسابداری سنتی می‌باشد، دارای اهداف متنوع می‌باشند. برای مثال در یک جامعه سوسیالیست، هدف حسابداری می‌تواند ارائه شیوه‌های کنترلی مناسب در زمینه پاسخگو نمودن مدیران یک سازمان نسبت به عملکرد زیر مجموعه خود باشد (Baily, 1998). در نتیجه، همانند اهمیت تامین‌کنندگان سرمایه در یک جامعه سرمایه‌داری، در طراحی یک سیستم حسابداری استاندارد باید به مدیران یک سازمان که استفاده‌کنندگان اصلی اطلاعات تولید شده از سوی حسابداری محسوب می‌گردند، توجه ویژه‌ای گردد. دلیل وجود سیستم‌های حسابداری مختلف توسط (Hameed, 2001) تبیین گردید. به اعتقاد وی جهان‌بینی‌های مختلف منجر به سیستم‌های اقتصادی و در نتیجه سیستم‌های حسابداری مختلف می‌گردند.

به اعتقاد (Baydoun & Willet, 2000) اصول پشتیبان حسابداری سنتی عبارتند از: (۱) ایجاد تمایز روشن بین مبادلات اقتصادی و ملاحظات مذهبی، (۲) در اولویت بودن رضایت مشتریان/افراد، (۳) لحاظ نمودن حداکثرسازی سود بعنوان شاخصی از عملکرد موفق، (۴) قبول قاعده بقای انطباق بعنوان بهترین استراتژی، و (۵) تمرکز بر نتایج فعالیتها بدون توجه به اثرات مخرب آنها بر محیط زیست. از نظر محققان اهمیت این اصول به اندازه اهمیت اعتقادات یک فرد و یک جامعه می‌باشد. بهر حال، اسلام دارای جهان‌بینی و سیستم اعتقادی مختص به خود می‌باشد. اسلام نه تنها دین عبادی هر فرد بوده بلکه یک شیوه منسجم برای ترکیب مواردی همچون سیاست، اقتصاد، فرهنگ، مذهب، و بالاخره تمام جنبه‌های زندگی انسانی می‌باشد (Ibrahimzadeh Amoli, 2011). این بدین معنی است که برخلاف جوامع غیرمسلمان، ایجاد هرگونه تمایز بین دانش و احکام دینی برای جامعه مسلمان مناسب نیست (Hameed, 2001). بنابراین، به اعتقاد صاحب‌نظران مسلمان روشهای حسابداری باید با آموخته‌های دین اسلام هماهنگ شده و این دلیل پیدایش اصطلاح "حسابداری اسلامی" می‌باشد (Hameed, 2000).

نتایج تحقیق (Hameed, 2000) نشان داد که اعضای هیات علمی و شاغلان حرفه حسابداری مالزی معتقد به بکارگیری ارزشهای اسلامی در حرفه حسابداری می‌باشند. اما نتایج تحقیق (Sulaiman, 2001) که در جامعه حسابداران مالزی انجام شد، نشان داد بین دیدگاه مسلمانان و غیرمسلمانان نسبت به موضوعات حسابداری تفاوت وجود ندارد. این یافته‌های متفاوت می‌تواند بیانگر اهمیت بکارگیری ارزشهای اعتقادی و ملی هر کشور در حرفه حسابداری آن کشور بحساب آید. بنابراین، این تحقیق درصدد است تا دیدگاه جامعه حسابداران ایرانی را نسبت به این موضوع مورد مطالعه و بررسی قرار دهد.

اساساً دو رویکرد در ارتباط با تدوین حسابداری اسلامی وجود دارد. (۱) مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و (۲) مبتنی بر حسابداری موجود که سازگار با آموزه‌های اسلامی است (سازمان حسابداری و حسابرسی برای موسسات مالی اسلامی<sup>۱</sup>، (AAOIFI, 1996). هر کدام از این دو رویکرد دارای ضعفهای ذاتی برحسب قابلیت کاربرد و یا قابلیت اعتماد در زمینه تحقق اهداف اقتصادی و اجتماعی اسلامی هستند. از اینرو (Hameed, 2000) رویکرد ترکیبی در این زمینه ارائه نمود.

رویکرد مبتنی بر آموزه‌های اسلامی: در این رویکرد پس از تدوین اهداف براساس اصول اسلامی و آموزه‌های دینی، اقدام به مطابقت آنها با اصول حسابداری مرسوم می‌گردد (AAOIFI, 1996). در این رویکرد اقدام به استنتاج احکام شریعت اسلامی که تبیین‌کننده اهداف حسابداری مالی هستند، می‌گردد. در صورت نیاز، در این رویکرد می‌توان از آندسته از اهداف حسابداری مالی غربی که نقص‌کننده احکام شریعت نیستند، استفاده نمود. زیرا فرض بر آن است که اینگونه اهداف می‌توانند برای سازمانهای تجاری اسلامی مفید واقع گردند.

حامیان این رویکرد معتقدند که این رویکرد قادر است که تاثیرگذاری تفکر حسابداری غربی فعلی بر اهداف تدوین شده را به حداقل ممکن کاهش دهد (Karim, 1995). به اعتقاد (Rashid, 1987) این رویکرد چیزی فراتر از ویژگی‌های مرتبط با

<sup>1</sup> Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions (AAOIFI)

یک واقعیت مشخص بوده و لذا دقیقاً نمی‌توان میزان تاثیرگذاری عوامل این رویکرد را از قبل پیش بینی نمود. در صورتی که فقط این رویکرد در اختیار باشد، به فعل درآوردن تئوری بسیار مشکل خواهد بود.

رویکرد مبتنی بر حسابداری موجود که با آموزه‌های اسلامی سازگار است: این رویکرد فقط اقدام به اقتباس آندسته از اهداف حسابداری مالی غربی که متناسب با شرایط سازمانهای تجاری اسلامی است، می‌نماید. تمرکز این رویکرد بر ابعاد اخلاقی که در تفکر حسابداری سنتی وجود ندارد، می‌باشد. این می‌تواند براساس ایجاد تمایز بین امورات معنوی و دنیوی صورت گیرد (Karim, 1995). طرفداران رویکرد فوق معتقدند که این رویکرد مربوط به موسساتی که در حال حاضر فعال هستند، بوده و به لحاظ ماهیتی نیز قابلیت عملیاتی شدن را داراست (Rashid, 1987). از دیدگاه عبدالقادر (Abdelghader, 1994) این رویکرد مطابق اصل قضایی اسلامی (تسامح<sup>۲</sup>) است. بدین معنی هر چیزی که بطور صریح در قرآن کریم و سنت منعی برای انجام آن وجود نداشته باشد، قابل انجام است. طرفداران دیگر این رویکرد معتقدند که بیشتر موضوعات حسابداری مرتبط با بانکداری اسلامی در چارچوب استانداردهای حسابداری موجود قرار داشته و بنابراین نیازی به بررسی بیشتر آنها، البته به استثنای مواردی همچون مشارکت که در حسابداری سنتی مورد توجه قرار نگرفته است، وجود ندارد.

این رویکرد از مدتها پیش مورد انتقاد (Farooq and Haris, 2012) بوده است. زیرا چارچوب مفهومی فعلی حسابداری که مورد استفاده دنیای غرب است از دوگانگی موجود بین اخلاق تجاری و اخلاق شخصی در رنج است. بنابراین، این چارچوب نمی‌تواند در سایر جوامع که دارای اصول و مبانی تاثیرگذار بر تمام جنبه های اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی زندگی هستند، مورد استفاده قرار گیرد. به اعتقاد (Anwar, 1987) چنین مدلی یک رویکرد جانبدارانه از اسلامیزه کردن امور می‌باشد. از دیدگاه او چنین رویکرد استقرائی فریبکارانه است. زیرا حاوی بسیاری از مفروضات غیراسلامی بوده هرچند که تعدیلات جانبدارانه‌ای نیز از طریق وارد نمودن برخی از اصول اسلامی به آن صورت گرفته باشد.

رویکرد ترکیبی: این رویکرد ترکیبی از دو رویکرد قبلی بوده و در تلاش است تا ضعفهای موجود در رویکردهای قیاسی (اولی) و استقرائی (دومی) را به حداقل برساند. بنابراین، انتظار می‌رود که حسابداری اسلامی حاصله از این رویکرد ضمن قابلیت کاربرد، بتواند از توان لازم جهت تحقق اهداف اقتصادی و اجتماعی مد نظر دین اسلام برخوردار باشد. فرایند عملیاتی شدن این رویکرد از دیدگاه (Hameed, 2000) عبارتند از:

- شناسایی اصول حسابداری و اخلاقی مرتبط با فعالیتهای تجاری مستتر در شریعت و مقایسه آن با اصولی که در حال اجرا هستند.
- شناسایی اهداف اصلی و فرعی مبتنی بر اصول اخلاقی اسلامی
- مدنظر قرار دادن گزارشگری اجتماعی که از سوی حسابداری فعلی نیز قابل انکار نیست.
- شناسایی چارچوب تئوریک حسابداری اسلامی
- شناسایی استفاده کنندگان اطلاعات حسابداری اسلامی و نیازهای اطلاعاتی آنان

در نهایت، براساس موارد فوق باید تلاش گردد تا ویژگیهای حسابداری اسلامی طوری تدوین گردد که هم اصول اخلاقی تجارت اسلامی و هم نحوه تحقق اهداف حسابداری اسلامی مدنظر قرار گیرند.

این رویکرد دلالت بر این دارد که حسابداری اسلامی حاصله نه تنها باید مشوق انجام فعالیتهای تجاری براساس شریعت اسلامی باشد، بلکه باید دفع کننده مشکلات احتمالی جامعه نیز باشد. از دیدگاه (Al-Faruqi, 1982) هدف از اسلامی نمودن فعالیتهای تجاری باید یافتن راه‌حل‌های اسلامی برای مشکلات جامعه باشد.

پاسخگوئی اسلامی: با استفاده از رویکرد ترکیبی، (Hameed, 2000) شروع به بحث در مورد پاسخگوئی اسلامی با استفاده از دیدگاه (Al-Faruqi, 1982) در مورد مفهوم خلیفه نمود. این مفهوم بیانگر خلافت انسان در دنیا است. بدین معنی که خداوند متعال زمین را به امانت به انسان سپرده (Quran, 2008) چون فرشتگان، حیوانات، و سایر موجودات قادر به پذیرش چنین

<sup>2</sup> Permissiveness

مسئولیتی نیستند. همانطوریکه در قرآن کریم آمده است خداوند متعال این امانت سنگین را به آسمانها، زمین، و کوهها پیشنهاد نمود که آنها از پذیرش چنین مسئولیت سنگینی سرباز زند، اما انسان این مسئولیت را پذیرفت (Quran, 2008). همچنانکه (Al-Faruqi, 1982) معتقد است آسمانها، زمین، و کوهها از پذیرش امانت الهی بدلیل اهمیت فوق العاده آن امتناع نمودند. اما انسان آنرا پذیرفت. بنابراین به سر منزل مقصود رساندن این امانت الهی از جمله وظایف اصلی انسان بشمار می آید. انسان نه تنها بواسطه جنبه های معنوی بلکه بواسطه جنبه های اجتماعی در قبال این امانت مسئول است. طبق دستور خداوند متعال چیزهایی که در معامله به امانت واگذار شده باید در سرموعد به صاحب اصلی آن باز گردانده شود (قرآن کریم ۴:۵۸). این دستور در آیه دیگری نیز مورد تاکید قرار گرفته است. بدین معنی که اجرای مفاد هر قراردادی الزامی بوده چون در روز قیامت طرفین قرارداد از این بابت مورد سؤال واقع خواهند شد (Quran, 2008).

از دیدگاه (Hameed, 2000) این نوع پاسخگوئی، پاسخگوئی اسلامی نامیده شده و می تواند بعنوان هدف اصلی حسابداری اسلامی تلقی گردد. به لحاظ کاربردی، (Yaya, 2000) معتقد است که این مفهوم در جامعه اسلامی ریشه دوانده و می تواند بهترین انگیزه برای توسعه کاربردی حسابداری اسلامی محسوب گردد.

در پاسخگوئی اسلامی، سازمانهای اسلامی و مالکان موظف به دو نوع پاسخگوئی می باشند (Hameed, 2000):

- پاسخگوئی اولیه که منتج از مفهوم خلیفه بوده بطوریکه انسان امین و جانشین خدا در روی زمین بحساب می آید. این نوع پاسخگوئی عالی ترین نوع پاسخگوئی بوده و از طریق احساسات انسانی قابل درک نمی باشد. بهر حال بواسطه قرآن کریم و حدیث که منبع آموزه های اسلامی هستند، این نوع پاسخگوئی را می توان درک نمود.
- پاسخگوئی ثانویه بواسطه قراردادی که بین مالک/سرمایه گذار و مدیر امضاء می گردد، بوجود می آید. پاسخگوئی ثانویه مستلزم شناسایی، اندازه گیری، و گزارش فعالیت های اقتصادی و اجتماعی یک شرکت به مالکان آن می باشد. بعلاوه، براساس پاسخگوئی اسلامی فعالیت های ثانویه می توانند شامل مواردی همچون: رعایت اصول شریعت اسلامی، تعیین و پرداخت زکات، توزیع عادلانه ثروت میان سهامداران، تقویت همکاری و همبستگی کاری، و تشویق شرکتهای به مشارکت در حل مشکلات پیش روی جامعه، گردند.
- ویژگی های حسابداری اسلامی: در این بخش ویژگی های حسابداری اسلامی بطور عمیق از دو جنبه ی اندازه گیری مالی و افشاء مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت.
- جنبه اندازه گیری مالی: در بسیاری از ادبیات موجود در زمینه حسابداری اسلامی، به دلایل زیر زکات بعنوان مهمترین ابزار اندازه گیری بحساب می آید.
- در اسلام، زکات مهمترین ابزار برای اندازه گیری داراییها محسوب می گردد. این جمله را می توان از آیات قرآن کریم و احادیث نبوی که مرتبط با زمان بندی و شیوه محاسبه زکات می باشند، استخراج نمود.
- در بسیاری از آیات زکات بلافاصله بعد از نماز مورد توجه قرار گرفته و یکی از ارکان اساسی دین اسلام می باشد. بدین ترتیب، مسلمانان به طراحی ابزارهایی (شامل ابزارهای حسابداری) جهت اطمینان از اجرای تعهدات در مطابقت با شریعت اسلامی، تشویق می گردند.
- در اوتل، در کشورهای اسلامی از حسابداری عمدتا برای اهداف زکات استفاده می گردید. در این دوران، دولتهای اسلامی دفاتر و گزارشات حسابداری را با هدف تعیین مبلغ زکات و پاسخگوئی در این زمینه تهیه می کردند (Zaid, 2004).

اکثریت فقها معتقدند که زکات باید بر اساس قیمت های روز زمانی که زکات سررسید می شود، محاسبه گردد بنابراین، در حسابداری اسلامی بجای استفاده از بهای تمام شده تاریخی باید از بهای تمام شده جاری استفاده نمود (Haniffa and Hudaib, 2001). همچنین برخی از اصول حسابداری مرتبط با اندازه گیری نیازمند بازنگری می باشند. برای مثال (Haniffa and Hudaib, 2001) معتقدند که هدف از اصل محافظه کاری در حسابداری اسلامی انتخاب آن دسته از

تکنیکهای حسابداری که دارای کمترین اثر مثبت بر حقوق مالکان باشد، نبوده بلکه هدف انتخاب آن دسته از تکنیکهای حسابداری که دارای بیشترین اثر مثبت بر منافع جامعه باشد، است (یعنی محاسبه حداکثری زکات). سازمان حسابداری و حسابرسی برای موسسات مالی اسلامی، استفاده از ارزش جاری را برای دارائیهها، بدهیها، و سرمایه گذارهای غیرقابل معامله به رسمیت شناخته است (AAOIFI, 1996). بهر حال به علت عدم وجود ابزارهای مناسب، استفاده از چنین روشهایی توصیه نمی‌گردد. در نتیجه، بهای تمام شده تاریخی کماکان مورد استفاده شرکت‌های اسلامی بوده و تنها جهت ارائه اطلاعات تکمیلی، صورتهای مالی براساس بهای تمام شده جاری آن‌هم بصورت یادداشتهای پیوست تهیه می‌گردند (Shihadeh, 1994).

از دیدگاه (Mirza & Baydoun, 2000) استفاده همزمان از بهای تمام شده تاریخی و جاری در حسابداری اسلامی ضروری است. بنابراین، در حسابداری اسلامی استفاده از یک سیستم حسابداری دوگانه برای ارزش گذاری دارائیهها توصیه می‌گردد. این استدلال بر این فرض استوار است که سازمانهای اسلامی باید همزمان هم به (مفاد) قرارداد و هم به پرداخت زکات توجه نمایند. از آنجائیکه قرارداد مبتنی بر معاملات گذشته و زکات مبتنی بر ارزش جاری می‌باشد، لذا توجه به هر دو موضوع در فرایند اندازه‌گیری ضروری است.

ادعای (Mirza & Baydoun, 2000) در مورد استفاده از بهای تمام شده تاریخی در همه‌ی محاسبات حسابداری (به استثنای مورد زکات) مبتنی بر این استدلال است که بهای تمام شده تاریخی یک منبع اطلاعاتی مطمئن در مورد دارائیهها، بدهیها، فعالیتها، و مدیریت نقدینگی یک موسسه می‌باشد. به اعتقاد آنان بهای تمام شده تاریخی با مفهوم مباشرت سازگاری بیشتری داشته که این همان هدف حسابداری اسلامی است. روش بهای تمام شده تاریخی مسئولیت امانی و وظیفه مباشرتی مدیران را مورد تأکید قرار می‌دهد. به دلیل ثبت قراردادها براساس مبالغ بهای تمام شده تاریخی، طی سالیان متمادی روش بهای تمام شده تاریخی مناسب‌ترین روش اندازه‌گیری بحساب می‌آید. اگر روش اندازه‌گیری بهتری معرفی می‌گردید مطمئناً تابحال جایگزین این روش گردیده بود.

بنظر می‌رسد، برخلاف روش بهای تمام شده جاری، روش بهای تمام شده تاریخی از مبنای شرعی لازم جهت استفاده در سازمانهای اسلامی برخوردار نیست. اصل تحقق (مفاد) قرارداد در اسلام نمی‌تواند محرک بکارگیری بهای تمام شده تاریخی برای اهداف اندازه‌گیری باشد. زیرا خود قرارداد یک نوع فعالیت گذشته‌نگر بوده که در آینده محقق خواهد شد. بنابراین در زمان اندازه‌گیری باید از ارزشهای جاری استفاده شود. در این حالت، استفاده از بهای تمام شده تاریخی می‌تواند باعث ناکارآمدی اصل افشاء (واقعیات) گردد (Quran, 2008). طبق این اصل سازمانها باید واقعیات را همانگونه که هستند، افشاء نمایند. بدین ترتیب، بهای تمام شده تاریخی می‌تواند منعکس‌کننده نوعی از محافظه‌کاری باشد که معمولاً منجر به ارزش گذاری کمتر از حد می‌گردد.

جنبه افشاء: از دیدگاه (Haniffa and Hudaib, 2001) اصل افشاء به معنای انجام وظایف و تعهدات طبق شریعت اسلامی است. تحقق هدف مستلزم افشاء حداقل موارد زیر از سوی سازمان‌های اسلامی است.

- معاملات منع شده برای سازمان
- تعهدات مرتبط با زکات امسال و سال گذشته
- پاسخگوئی اجتماعی

مسئولیت اجتماعی شامل کمک به موسسات عام‌المنفعه و کارکنان و همچنین حفاظت از محیط زیست می‌باشد. بنابراین، گزارشگری مالی در جامعه اسلامی باید به مراتب تفصیلی‌تر از چیزی که هم اکنون در جامعه غرب رایج است، باشد. به اعتقاد بایدون و ویلت (Baydoun & Willet, 2000) پاسخگوئی اجتماعی و افشاء کامل از اصول اولیه گزارشگری اسلامی بحساب می‌آیند. از دیدگاه آنان در سازمانهای اسلامی تهیه ترانزنامه بر مبنای ارزشهای جاری باید جزئی از الزامات گزارشگری بحساب آید. بدین ترتیب صورتحساب سودوزیان، دلیل هدایت افراد به سمت سودمحوری محض، باید به بخش یادداشتهای پیوست صورتهای مالی منتقل گردند. از دیدگاه اسلامی باید بجای صورتحساب سود وزیان، صورتحساب ارزش

افزوده<sup>۳</sup> تهیه گردد. زیرا بواسطه ویژگیهای توزیعی، صورتحساب ارزش افزوده به نوعی مشوق پاسخگوئی در اسلام می‌باشد (Baydoun & Willet, 2000).

بهرحال، صورتحساب ارزش افزوده یک نوع آرایش مجدد از صورتحساب سودوزیان بحساب می‌آید. بنابراین، این صورتحساب بیانگر یک اختلاف مهم از صورتحساب سودوزیان که معمولاً مورد تردید نیز می‌باشد، است. همانند صورتحساب سودوزیان، صورتحساب ارزش افزوده نیز یک گزارش گذشته‌نگر بوده که تاثیر چندانی بر مسئولیت اجتماعی سازمان در سال جاری ندارد. اما هنوز هم کارکنان یک سازمان می‌توانند از صورتحساب ارزش افزوده برای درک و تاثیرگذاری بر مواردی همچون پرداخت پاداش استفاده نمایند. بعلاوه، جامعه نیز می‌تواند از این صورتحساب برای ترغیب سازمانها جهت انجام هرچه بهتر مسئولیت اجتماعی آنها استفاده نماید. این در حالی است که صورتحساب سودوزیان فاقد چنین امتیازاتی است.

به لحاظ اسلامی، رشد باید منجر به عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه قدرت و ثروت در جامعه گردد. بدین ترتیب، صورتحساب ارزش افزوده می‌تواند علاوه بر ارائه اطلاعاتی در مورد نحوه توزیع ثروت بین بخشهای مختلف جامعه زمینه‌ساز قضاوت سهامداران در مورد نحوه عملکرد سازمان باشد (Mirza & Baydoun, 2000). بنابراین، می‌تواند باعث اتخاذ یک سیاست مدبرانه در زمینه توزیع مجدد ثروت و انتقال منابع بین گروههای مختلف یک جامعه گردد (Sulaiman, 1997).

بهرحال، علاوه بر توزیع عادلانه منابع، اسلام در مورد نحوه تحصیل منابع نیز حساس می‌باشد. از دیدگاه اسلام منابع باید از راه حلال تحصیل شوند. برای تحقق این هدف، منابع باید به لحاظ ماهیتی و همچنین فرایند تحصیل حلال باشند. مشکل صورتحساب ارزش افزوده در این زمینه این است که توجهی به موارد فوق نداشته بلکه فقط به نحوه توزیع منابع توجه دارد. بنابراین می‌توان ادعا نمود که این صورتحساب از کارایی لازم جهت تحقق الزامات اسلامی در زمینه ارائه اطلاعات برخوردار نیست.

در این ارتباط، میرزا و بایدون (Mirza & Baydoun, 2000) معتقدند که صورتهای مالی اسلامی باید بر شفافیت و اجتناب از تحریف، که هدف اصل افشاء اسلامی نیز می‌باشد، تاکید نمایند. بهرحال (Khan, 1994) نسبت به این اصل<sup>۴</sup> مخصوصاً در مواقعی که سازمانها اطلاعات نادرستی در زمینه مواردی همچون: برخورد ناعادلانه با کارکنان، آلودگی محیطی، کمتر از واقع نشان دادن مالیات ارائه می‌نمایند<sup>۵</sup> بدین می‌باشد. اکثر سازمانها براین باورند در صورت افشاء همه موارد، مشکلات قانونی آنها زیاد خواهد شد. بنابراین به اعتقاد (Khan, 1994) فقط آندسته از معاملاتی که در چارچوب نظام سرمایه‌داری مشروع اما در چارچوب نظام اسلامی نامشروع اند (مانند درآمد بهره، هزینه بهره، انجام سرمایه‌گذاری بدون پذیرش هرگونه ریسک، و سایر معاملات ربوی دیگر)، باید به شیوه‌ی مناسب در صورتهای مالی موسسات اسلامی افشاء گردند. زمانی افشاء مناسب خواهد بود که شامل مبلغ، منبع، و شرایطی که موجب انجام معاملات نامشروع گردیده و همچنین نحوه مصرف چنین درآمد و یا دارایی، گردد (Khan, 1994).

در نهایت می‌توان ادعا نمود همانگونه که (Khan, 1994) اشاره می‌کند در صورت ارائه مجوز به موسسات جهت ارائه اطلاعات نادرست، محیط مناسبی در اختیار آنها قرار می‌گیرد تا بتوانند چنین رویه‌هایی را تداوم بخشند. این همچنین می‌تواند نوعی مصالحه بین اسلام و رویه‌های تجاری ناعادلانه بحساب آید. درنتیجه می‌توان ادعا نمود که این مورد می‌تواند منجر به انحراف از اهداف اقتصادی و اجتماعی اسلام گردد.

## ۱- مواد و روشها

با توجه به ادبیات تحقیق، محققان اقدام به ارائه اهداف و ویژگی‌های دیگری برای حسابداری اسلامی نمودند. بهرحال، برای درک میزان مقبولیت اهداف و ویژگی‌های جدید ارائه شده انجام یک مطالعه میدانی ضروری بود. بدین منظور، داده‌های مورد نیاز از طریق یک تحقیق میدانی که دربرگیرنده پرسشنامه باز<sup>۴</sup> بود، جمع‌آوری شد. در بخش زیر جامعه و نمونه آماری، فرضیات و نتایج تحقیق بطور مختصر مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

<sup>3</sup> Value Added Statement (VAS)

<sup>4</sup> Self-Administered Questionnaire

جامعه و نمونه آماری: جامعه آماری این تحقیق شامل اعضای هیات علمی دانشگاههای استانهای تهران، همدان، کرمانشاه و کردستان که با مفاهیم حسابداری اسلامی آشنا بودند، می‌باشد. از طریق بررسهای بعمل آمده تعداد جامعه آماری ۵۰ نفر برآورد شد. با استفاده از جدول مورگان تعداد نمونه ۴۴ نفر انتخاب شد. جهت گردآوری داده‌های مورد نیاز برای کل جامعه آماری پرسشنامه ارسال شد که ۴۴ مورد برگشت شد.

فرایند تدوین فرضیه‌ها: براساس ادبیات اقتصاد اسلامی، می‌توان ادعا نمود که اصول اقتصادی و اجتماعی متعلق به سیستم‌های اقتصادی سرمایه‌داری با سیستم‌های اقتصادی اسلامی متفاوت می‌باشد. این امر نشانه متفاوت بودن اهداف و ویژگی‌های حسابداری اسلامی با حسابداری سنتی (مرسوم) است. از آنجائیکه حسابداری مرسوم مبتنی بر سیستم اقتصادی سرمایه‌داری است، لذا از محققان حسابداری مسلمان انتظار می‌رود تا بتوانند براساس سیستم اقتصادی اسلامی اقدام به تدوین و طراحی حسابداری اسلامی نمایند. بنابراین، این تحقیق درصدد است تا ذهنیت پاسخ‌دهندگان را راجع به این موضوع که آیا بین اهداف و ویژگی‌های حسابداری اسلامی با حسابداری سنتی تفاوت وجود دارد یا نه را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد. برای پاسخ به سوال فوق فرضیاتی بشرح زیر تدوین گردید:

فرضیه ۱: اعضای هیات علمی معتقدند که اهداف حسابداری اسلامی همان اهداف حسابداری سنتی می‌باشند. برای آزمون فرضیه اول از پاسخ‌دهندگان خواسته شد تا از اهداف پیشنهادی برای حسابداری اسلامی یکی را انتخاب نمایند (جدول ۱ پیوست).

گزینه الف که در مورد مفیدی تصمیمات است، از جمله اهداف اصلی حسابداری سنتی فعلی بحساب می‌آید. گزینه ب که بیانگر وظیفه مباشرتی مدیران است، از جمله اهداف قدیمی (اولیه) حسابداری سنتی می‌باشد. گزینه ج که مربوط به پاسخگوئی اسلامی است، از تئوری که توسط (Hameed, 2000) تدوین گردید، استخراج شد. در نهایت، گزینه د که بیانگر پاسخگوئی از طریق زکات است، از تحقیق عدنان و گفیلین استنتاج شد. گزینه آخر (ه) این امکان را در اختیار پاسخ‌دهندگان قرار می‌دهد تا در صورت وجود اهداف دیگر آنرا بیان نمایند.

فرضیه دوم مرتبط با اهداف و ویژگی‌های حسابداری اسلامی، نشان‌دهنده اهمیت استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری است. همانگونه که قبلاً اشاره شد، اطلاعات حسابداری به مقدار زیادی تحت تاثیر استفاده‌کنندگان اش می‌باشد. بنابراین، طبیعی است که نوع اطلاعات ارائه شده متأثر از منافع متعدد استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری باشد. در حسابداری سنتی سهامداران فعلی و سهامداران بالقوه مهمترین استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری بحساب می‌آیند. این رویه مطابق با نظام سرمایه‌داری بوده که در آن ارائه‌کننده سرمایه بعنوان رکن اصلی تولید ثروت محسوب می‌گردد. از آنجائیکه حسابداری اسلامی دارای جهان بینی متفاوتی است، لذا میزان اهمیت استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری در حسابداری اسلامی با حسابداری سنتی متفاوت خواهد بود. بنابراین، می‌توان فرضیه دوم را بشرح زیر بیان نمود.

فرضیه ۲: اعضای هیات علمی معتقدند که در حسابداری اسلامی تامین نیازهای اطلاعاتی سهامداران مهمتر از تامین نیازهای اطلاعاتی سایر ذینفعان می‌باشد.

برای آزمون این فرضیه از پاسخ‌دهندگان خواسته شد تا اهمیت برخی از استفاده‌کنندگان بالقوه (جدول شماره ۲ پیوست) در مقایسه با سهامداران را رتبه‌بندی نمایند. اگر آزمون فرضیه فوق نشان دهد که سایر استفاده‌کنندگان از سهامداران مهمتراند، آن-وقت می‌توان ادعا نمود که بین حسابداری سنتی و حسابداری اسلامی در زمینه استفاده‌کنندگان اطلاعات تفاوت وجود دارد.

فرضیه سوم مرتبط با اهداف و ویژگی‌های حسابداری اسلامی بر نوع اطلاعات ارائه‌شده تمرکز دارد. استدلال براین است که اسلام بر موضوعات مذهبی و اجتماعی تاکید دارد. یعنی در اسلام جنبه حلال و حرام<sup>۵</sup> بودن فعالیتها مورد توجه ویژه قرار می‌گیرد. این موضوع دلالت براین دارد که نوع اطلاعاتی که توسط حسابداری سنتی و حسابداری اسلامی افشاء می‌شوند بایکدیگر متفاوت می‌باشد. فرضیه سوم بشرح زیر تدوین شد:

فرضیه ۳: اعضای هیات علمی معتقدند که حسابداری اسلامی تاکید خاصی بر ارائه اطلاعات مذهبی و اجتماعی ندارد.

<sup>5</sup> Lawful and Unlawful Aspects

برای آزمون فرضیه سوم تصور پاسخ‌دهندگان نسبت به برخی از اطلاعات اجتماعی و اسلامی مورد سوال قرار گرفت. سوالات مرتبط با این فرضیه در قالب جداول ۳ و ۴ پیوست مطرح گردید. در جدول ۳ پیوست تلاش می‌شود تا دیدگاه پاسخ‌دهندگان نسبت به گزاره‌های پیشنهادی مورد سوال قرار گیرد. اما جدول ۴ پیوست شامل گزاره‌هایی می‌شود که ضمن ارائه در قالب مقایسه با مبلغ سود بیانگر محصول نهایی حسابداری سنتی نیز بحساب می‌آیند. به لحاظ تئوریک، ویژگی‌های حسابداری اسلامی نشان‌دهنده اهتمام ویژه آن نسبت به مسائل مذهبی و اجتماعی و نه ملاحظات سودآوری می‌باشد. بنابراین، در صورت موافقت پاسخ‌دهندگان با گزاره‌های پیشنهادی، می‌توان ادعا نمود که بین ویژگی‌های اطلاعاتی قابل افشاء در دو نوع حسابداری (اسلامی و سنتی)، تفاوت وجود دارد.

## ۲- نتایج و بحث:

آزمون پایایی و نرمال بودن<sup>۶</sup>: برای آزمون پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شد. آلفای کرونباخ محاسبه شده برای سوالات فرضیه دوم و سوم به ترتیب ۰/۸۷ و ۰/۸۴ بود. این نتایج بیشتر از مقدار استاندارد پایایی (۰/۸) بوده که به نوعی بیانگر قابلیت اعتماد سوالات تدوین شده در اندازه‌گیری متغیرهای مشابه می‌باشد. ضمناً، برای آزمون نرمال بودن متغیر نمونه از نسبت چولگی<sup>۷</sup> استفاده شد. نسبت چولگی نسبتی است که بین چولگی محاسبه شده و خطای استاندارد چولگی قرار دارد. اگر نسبت چولگی محاسبه شده بین مثبت ۲ و منفی ۲ قرار گیرد، متغیر نرمال تلقی خواهد شد (سانتوس<sup>۸</sup>، ۲۰۰۱). براساس آزمون انجام شده در مورد توزیع سوالات فرضیه دوم و سوم نسبت چولگی آنها به ترتیب ۳/۷۵ و ۰/۳۴ محاسبه گردید که فقط توزیع سوالات فرضیه سوم نرمال بود. بدین ترتیب در مورد فرضیه دوم از آزمون غیرپارامتریک استفاده شد. آزمون فرضیات: بعد از انجام آزمونهای پایایی و نرمال بودن، نوبت به آزمون فرضیات رسید. برای آزمون فرضیات از آزمون t و آزمون علامت غیرپارامتریک استفاده شد. برای انجام این آزمونها از نرم‌افزار SPSS بهره گرفته شد. فرضیه ۱: اهداف حسابداری اسلامی: برای شناسایی هدف حسابداری اسلامی از جواب پرسش‌شوندگان به گزینه‌های سوال یک استفاده شد. پنج هدف در نظر گرفته شده برای حسابداری اسلامی عبارت بودند از: (۱) مفیدی تصمیمات، (۲) مباشرت، (۳) پاسخگوئی اسلامی، (۴) پاسخگوئی از طریق زکات و (۵) سایر اهداف (در صورت داشتن نظراتی غیر از موارد فوق). نتایج حاصله از تجزیه و تحلیل داده‌های فرضیه ۱ بشرح جدول زیر بود.

جدول شماره (۱): فراوانی آزمون کای اسکور (اهداف)

گزینه‌ها	تعداد مشاهدات	تعداد مورد انتظار	اختلاف
مفیدی تصمیمات	۲	۸/۸	-۶/۸
مباشرت	۲	۸/۸	-۶/۸
پاسخگوئی اسلامی	۳۵	۸/۸	۲۶/۲
پاسخگوئی از طریق زکات	۳	۸/۸	-۵/۸
سایر	۲	۸/۸	-۶/۸
جمع	۴۴		

با توجه به جدول فوق، در حدود ۸۰ درصد پاسخ‌دهندگان گزینه سوم (پاسخگوئی اسلامی) را انتخاب نموده‌اند. اختلاف فراوانی مشاهده شده نسبت به فراوانی مورد انتظار بامعنی است. زیرا سطح معنی‌داری محاسبه شده (p-value = ۰.۰۰۰) کمتر از ۵ درصد است. این بدین معنی است که احتمال فراوانی مورد انتظار محاسبه شده تقریباً صفر است (جدول شماره ۲).

<sup>۶</sup> Reliability and Normality Tests

<sup>۷</sup> Skewness Ratio

<sup>۸</sup> Santoso



جدول شماره (۲): سطح معنی‌داری آزمون فرضیه ۱ (آماره آزمون)	
هدف	
کای اسکوتر*	۳۰,۷۷۳
درج آزادی	۴
سطح معنی‌داری	۰,۰۰۰

\*هیچ ردیفی دارای فراوانی مورد انتظار کمتر از ۵ نیست. حداقل فراوانی مورد انتظار برای هر ردیف ۸/۸ است. بنابراین، می‌توان ادعا نمود از دید پاسخ‌دهندگان پاسخگوئی اسلامی مقبول‌ترین هدف برای حسابداری اسلامی محسوب می‌گردد.

فرضیه ۲: استفاده کنندگان اطلاعات حسابداری اسلامی متغیر استفاده کنندگان اطلاعات حسابداری (USRE) شامل سوالات ۱-۲ الی ۷-۲ بوده که در قالب فرمول زیر مورد توجه قرار می‌گیرند.

$$USRE = \text{mean} (Q2.1, Q2.2, Q2.3, Q2.4, Q2.5, Q2.6, Q2.7)$$

کشیدگی چولگی محاسبه شده برای متغیر USRE به سمت راست بوده و این بیانگر این نکته است که در حسابداری اسلامی اهمیت سایر استفاده کنندگان از اطلاعات مالی اگر بیشتر از سهامداران نباشد، کمتر از آنها نیست. در آزمون فرضیه دوم از آزمون t یک نمونه‌ای سه مرحله‌ای (تعیین فرضیه صفر و مقابل، محاسبه آماره t برای داده‌ها و مقایسه t محاسبه شده با t جدول) استفاده شد. از معادله زیر در آزمون فرضیه فوق استفاده خواهد شد.

$$H_0: \text{mean of USER} < 3.00$$

$$H_a: \text{mean of USER} \geq 3.00$$

از آنجائیکه توزیع این متغیر نرمال نبود از آزمون غیرپارامتریک یک نمونه‌ای کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که میانگین بدست آمده ۳/۳۴۴ بوده و سطح معنی‌داری با ضریب اطمینان ۹۵٪ کمتر از ۰/۰۱ است.

جدول شماره (۳): آزمون غیرپارامتریک یک نمونه‌ای کولموگروف-اسمیرنوف برای متغیر USER

USER		
N	۴۴	
Normal Parameters	Mean	۳.۳۴۴
	Std. Deviation	۰.۴۸۵۴
Most Extreme Differences	Absolute	۰.۱۹۵
	Positive	۰.۱۹۵
	Negative	-۰.۱۳۵
Kolmogorov-Smirnov Z		۱.۷۲۳
Asymp. Sig (2-tailed)		۰.۰۰۶

بنابراین، می‌توان ادعا نمود که فرضیه صفر مبنی بر اینکه به اعتقاد اعضای هیات علمی در حسابداری اسلامی تامین نیازهای اطلاعاتی سهامداران مهمتر از سایر استفاده کنندگان است، رد می‌شود. در عوض، فرضیه مقابل یعنی اعضای هیات علمی معتقدند که اهمیت تامین نیازهای اطلاعاتی سایر استفاده کنندگان از حسابداری به اندازه سهامداران و یا بیشتر از آنهاست، تایید می‌شود. فرضیه ۳: ویژگی‌های حسابداری اسلامی:

متغیر ویژگی‌های (CHRACT) حسابداری اسلامی براساس سوالات Q3-1-1, Q3-1-2, Q3-1-3, Q3-1-4, Q3-2-1, Q3-2-2, Q3-2-3, Q3-2-4, Q3-2-5 تدوین شده است. فرمول مرتبط با این متغیر بشرح زیر می‌باشد:

$$CHRACT = \text{Mean} (Q3-1-1, Q3-1-2, Q3-1-3, Q3-1-4, Q3-2-1, Q3-2-2, Q3-2-3, Q3-2-4, Q3-2-5)$$

کشیدگی چولگی محاسبه شده برای متغیر CHRACT تا حدودی به سمت چپ بود. لذا می‌توان دریافت که حسابداری اسلامی نه تنها بر موضوعات مالی و اقتصادی بلکه بر موضوعات مذهبی و اجتماعی نیز تاکید دارد.

در آزمون فرضیه سوم از آزمون t یک نمونه‌ای استفاده شد. معادله آزمون این فرضیه بشرح زیر است:

Ho: mean of USER < 3.00

Ha: mean of USER ≥ 3.00

نتایج آزمون فرضیه سوم نشان داد که میانگین محاسبه شده (۳/۸۷۷) بیشتر از میانگین بحرانی (۳/۰۰) بود.

جدول شماره (۴): مقدار متوسط متغیر CHRACT

فرضیه سوم	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد میانگین
ویژگی	۴۴	۳/۸۷۷	۰/۵۶۳	۶/۰۳۳

جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که مقدار احتمال برابر ۰/۰۰۰ بوده که در سطح اطمینان ۹۵ درصد بامعنی است. این نشان می‌دهد احتمال اینکه میانگین جامعه مساوی ۳ شود تقریباً صفر است.

جدول شماره (۵): سطح معنی‌داری آزمون فرضیه سوم

اعتبار آزمون = ۳				
فرضیه سوم	آماره t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری - تفاوت میانگین	سطح اطمینان ۹۵٪
ویژگی	۱۲/۷۵۱	۴۳	۰/۰۰۰	حد پایین ۰/۶۶۵ حد بالا ۰/۸۹۳

بنابراین می‌توان دریافت که فرضیه صفر مبنی بر اینکه به اعتقاد اعضای هیات علمی، حسابداری اسلامی بر اطلاعات مذهبی و اجتماعی تأکید ندارد، رد می‌شود. درعوض، فرضیه مقابل مبنی بر اینکه از دید اعضای هیات علمی حسابداری اسلامی بر اطلاعات مذهبی و اجتماعی تأکید دارد، تأیید می‌شود.

بطور کلی بعنوان نتیجه‌گیری از این پژوهش می‌توان عنوان نمود که، بعنوان یک شیوه زندگی، اسلام تأکید ویژه‌ای بر فعالیتهای اقتصادی دارد. از طریق قرآن و رسول، خداوند متعال رمز موفقیت در این دنیا و آخرت را ° بواسطه انجام فعالیتهای اقتصادی ° نشان داده است. از آنجائیکه مشکلات بالقوه‌ی فراوانی پیشروی انجام فعالیتهای اقتصادی وجود دارد، لذا تنها یک ابزار (یعنی زکات) برای حل اینگونه مشکلات کافی نیست. درنتیجه، استفاده از تمام ابزارهای موجود جهت دستیابی به رستگاری ضروری است. بنابراین، بهتر است تا حسابداری اسلامی به سمت تحقق اهداف اجتماعی و اقتصادی اسلام که پیش‌زمینه رستگاری نیز هستند، هدایت شود. بنابراین، در طراحی یک سیستم حسابداری اسلامی، اهداف و ویژگی‌های آن طوری باید تعیین شوند که بتوانند نه تنها موسسات را وادار به ارائه تصویر واقعی از عملکرد خود، بلکه آنها را به انجام احسان و دوری از بی‌عدالتی تشویق نمایند.

نتایج آزمون فرضیه اول نشان می‌دهد که اهداف حسابداری اسلامی با اهداف حسابداری سنتی (مفیدی تصمیمات) فرق دارد. با توجه به اتفاق نظر اکثر پاسخ‌دهندگان بر موضوع فوق، تدوین و توسعه‌ی حسابداری اسلامی می‌تواند از طریق ارائه اطلاعاتی در مورد میزان رعایت شریعت اسلامی در انجام مسئولیت‌ها و الگو قرار دادن ارزشها و اهداف اسلامی در رفتارهای اقتصادی باعث توانمندسازی سهامداران هر سازمانی گردد. آزمون فرضیه دوم نشان داد که به اعتقاد اعضای هیات علمی میزان اهمیت استفاده-کنندگان از اطلاعات حسابداری در حسابداری اسلامی با حسابداری سنتی متفاوت بوده بطوریکه در حسابداری اسلامی الزاماً سهامداران مهمترین استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری محسوب نمی‌شوند.

درنهایت، آزمون فرضیه سوم نشان داد که به اعتقاد اعضای هیات علمی در تهیه اطلاعات حسابداری باید به جنبه‌های اجتماعی و مذهبی نیز توجه ویژه‌ای صورت گیرد. این اتفاق نظر می‌تواند بدین معنی باشد که سیستم حسابداری اسلامی باید قادر به ارائه اطلاعاتی باشد که بتواند سازمانهای تجاری را به رعایت شریعت اسلامی در انجام فعالیتهایش تشویق نماید. بنابراین، می‌توان

ادعا نمود که تفکرات اسکولار دارای جایگاه چندان مناسبی در میان محققان حسابداری مسلمان نبوده و آنها معتقدند در تدوین حسابداری اسلامی باید از ارزشها و هنجارهای اسلامی استفاده شود.

#### ۴- منابع

1. Ibrahimzadeh Amoli, Hasan. (2011). *Din v Din bavari*, Islamic Research Academic, zamzam Hedayat Publication, Edittion Secand.
2. Quran E Karim. (2008). Danesh Pablication, Four Edition.
3. AAOIFI, (1996), *Accounting and Auditing Standards for Islamic Financial Institutions*, Manama, Bahrain: Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions.
4. Abdelgader, A., E. (1994). Accounting postulates and principles from an Islamic perspective, *Review of Islamic Economics*. 3 (2): 1-18.
5. Adnan, M.A. and Gaffikin. (1997). *The Shariah, Islamic banks and accounting concepts and practices*. Proceedings of the International Conference 1: Accounting Commerce and Finance: The Islamic Perspective. Sydney, Australia.
6. Ahmad, S.F., (1995). *The ethical responsibility of business: Islamic principles and implications*, Paper of the Seminar on Islamic Principles of Organizational Behavior. Virginia, USA.
7. Anwar, M. (1987). *Islamic economic methodology*. Paper of the conference on Islamic Economics. Washington, USA.
8. Al-Faruqi, I.R. (1982), *Islamization of Knowledge*. Virginia: The International Institute of Islamic Thought. *Critical Perspectives on Accounting*. 1(1): 5-30.
9. Al-Faruqi, I.R. (1992), *Al-Tawhid: It's Implications for Thought and Life*, Herndon, Virginia: International Institute of Islamic Thought.
10. Gambling, T and Karim, R.A.A. (1991). *Business and Accounting Ethics in Islam*. London: Mansell Publishing Ltd.
11. Hameed, S. (2000a). *The need for Islamic Accounting: Perception of Its Objectives and Characteristics by Malaysia Accountants and Academics*. Ph.D. Thesis. University of Dundee.
12. Hameed, S. (2001), *Islamic accounting ° accounting for the new 91illennium?* Paper of the Asia pacific Conference 1-Accounting in the New Millenium. Kota Bahru, Malaysia.
13. Haniffa, R. and Hudaib, M. (2001). *A conceptual framework for Islamic accounting: The Shari a paradigm*. Paper of the International Conference on Accounting, Commerce and Finance: The Islamic Perspective. New Zealand.
14. Jamaliah Said, Erlane K. Ghani, Siti Noor Hayati Zawawi, Sharifah Norzehan Syed Yusof, (2012). *Composite Performance Measurement for Zakat Organisations*, *British Journal of Economics, Finance and Management Sciences*, 4(1), 50-59
15. Karim, R.A.A. (1995). *The nature and rationale of a conceptual framework for financial reportring by Islamic banks*. *Accounting and Business Research*. 25 (100): 285-300.
16. Khan, M.A. (1994). *Accounting issues and concepts for Islamic Banking*. Ins. *Development of an Accounting System for Islamic Banking*. London: The Institute of Islamic Banking and Insurance.
17. Mirza, M and Baydoun, N. (2000). *Accounting policy in a riba free environment*. *Accounting, Commerce and Finance: The Islamic Perspective Journal*. 4 (1): 30-40.
18. Rashid, S. (1987). *Islamic economics: a historic-inductive approach*. Paper of the Seminar on Islamic Economics. Washington, USA.
19. Smair Ahmad Abuzanid. (2009). *Business Ethics in Islam: the Glaring Gap in Practice*, *International Journal of Islamic and Middle Eastern Financial management*, vol. 2(4), 278-288.
20. Shihadeh, M.A. (1994). *Accounting systems for Islamic banking ° An insider s perspective*. Ins. *Deveopment of an Accounting System for Islamic Banking*. London: The Institute of Islamic Banking and Insurance, 41-46.
21. Sulaiman, M. (1997). *Testing a Theory of Islamic Corporate Reporting: The Case of Malaysia*. Ph.D. Thesis. University of Otago.

22. Yaya, Rizal. (2004). Would the Objectives and Characteristics of Islamic Accounting for Islamic Business Organizations Meet the Islamic Socio-Economic Objectives? Journal Akuntansi & Auditing Indonesia (JAAI), 8 (2), 141-163.
23. Zaid, Omar. Abdullah. (2004). Accounting Systems and recording Procedures in the Early Islamic State, Accounting Historians Journal, 31 (2), 149-170

